

Jurisprudential foundations of legitimate defense in resistance

Mehdi Bahremand^۱

Nazi Pourkarimi^۲

Samaneh Kordestani^۳

۱- Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Kerman, Iran

۲- PhD student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Kerman, Iran

۳- PhD student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Kerman, Iran

Abstract

The obligation to defend Islamic lands is one of the essentials of Islamic jurisprudence, and Shia and Sunni jurists have addressed it in their jurisprudential works on the topic of Jihad. But in some cases, considering that the Islamic lands and the independence of the Muslims have been exposed to the attack of the enemies, the jurists have dealt with it according to the conditions of the time and have left treatises, statements and fatwas. Today, the arrogant people of the world are afraid of the Islamic awakening and the dominance of Muslim nations over their destiny, and they are extremely afraid of their unity and disunity, and they are determined to prevent the re-emergence of Islamic civilization at any cost. The new world conditions require that Muslims, especially the young generation, become more familiar with the many capacities that exist in their school and religious culture and with their proud background and defend their dignity and independence. Among the various issues that are significant in this field, the defense of Islamic lands has a special place. Although its obligation is one of the essential issues of Islam and there is no doubt about it, it is important to be familiar with the importance and value of defense on the one hand, its rulings and issues on the other hand, as well as the record of Muslims in this field in the current situation.

Key words: Legitimate defense, dignity, propriety, dignity, necessity, violation

^۱ bahrehmand.mehdi@yahoo.com

^۲ Nazipourkarimi@gmail.com

^۳ kordestanisamane3@gmail.com

مبانی فقهی دفاع مشروع در مقاومت

دکتر مهدی بهرمند^۱

نازی پور کریمی^۲

سمانه کردستانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

چکیده

وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات فقه اسلام است و فقیهان شیعه و سنی در آثار فقهی خود در مبحث جهاد بدان پرداخته‌اند. اما در برخی مقاطع به لحاظ آنکه سرزمین‌های اسلامی و استقلال مسلمین در معرض هجوم دشمنان قرار گرفته فقها به تناسب شرایط زمانی بدان پرداخته‌اند و رساله‌ها، بیانیه‌ها و فتاوایی از خود به جا نهانده‌اند. امروزه مستکبران جهان از بیداری اسلامی و تسلط ملت‌های مسلمان بر سرنوشت خود بیمناک هستند و از اتحاد و یک پارچگی آنان به شدت در هراساند در مصمم هستند تا به هر قیمتی مانع ظهور دوباره تمدن اسلامی شوند. شرایط جهانی جدید ایجاب می‌کند که مسلمانان به ویژه نسل جوان بیش از پیش با ظرفیت‌های فراوانی که در مکتب و فرهنگ دینی آنان وجود دارد و با پیشینه پر افتخار خود آشنا شوند و از عزت و شرافت و استقلال خود دفاع کنند. در میان مباحث متنوعی که در این عرصه قابل توجه است، بحث دفاع از سرزمین‌های اسلامی جایگاه ویژه دارد. هر چند وجوب آن از مسائل ضروری اسلام است و جای هیچ گونه تردیدی در آن نیست اما آشنایی با اهمیت و ارزش دفاع از یک سو، احکام و مسائل آن از سوی دیگر همچنین کارنامه مسلمانان در این زمینه در شرایط کنونی حائز اهمیت است

واژگان کلیدی: دفاع مشروع، آبرو، تناسب، حیثیت، ضرورت، تعدی



^۱ استادیار دانشکده فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، کرمان، ایران

^۲ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، کرمان، ایران

^۳ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، کرمان، ایران

مقدمه

یکی از مهمترین حقوق طبیعی انسان، حق دفاع در مقابل تجاوز به جان، آزادی، عرض، ناموس و مال اوست. دین مبین اسلام به عنوان آیینی جامع و کامل در این مورد با قید شرایطی به مسلمانان اجازه داده تا به هنگام لزوم به دفاع از خود برخیزند و این گویای اهمیت قائل شدن به حیثیت و کرامت ذاتی نوع بشر است. در فاقع، در دفاع مشروع، هر اقدامی در راستای دفاع از خود، غیر اختیاری می شود و چاره ای جز توسل به آن باقی نمی ماند و علاوه بر این واکنشی نیز هست و به صورت دفاعی، انجام می شود و فرا تر از این ها، اقدامی کاملاً قانونی و مشروع قلمداد می گردد. از منظر قانونی هر گاه کسی به خاطر دفاع از نفس و یا عرض یا ناموس یا آزادی خود و دیگران با رعایت شرایط پیش بینی شده در قانون مرتکب هر عملی گردد، عمل ارتكابی او جنبه ی مجرمانه خود را از دست می دهد و چنین شخصی معاف از مسئولیت کیفری و مدنی است. یعنی اگر در حالت عادی صرف آن عمل از کسی سر بزند او به عنوان متهم و مجرم مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت لیکن در دفاع مشروع همانطوری که از نامش پیداست دفاعی ابراز می شود که هر چند احتمالاً به همراه آسیب یا شاید قتل و ضرب و جرح و... باشد خبری از مجازات مدافع نیست. بنابراین شخصی که بر خلاف عدل و انصاف مورد حمله قرار گرفته است و برای دفاع از خود مرتکب جرم شده است در حال دفاع مشروع است.

از جمله شرایط خاص دفاع مشروع این است که مرتکب باید اثبات کند که اقدام وی مطابق شرایط قانونی بوده است. فرض کنیم شخصی توسل چند نفر ربوده شده یا در مقابل سرقت یا مهاجم قرار گرفته و توسل به قوای دولتی امکان پذیر نباشد و وی برای حفظ امنیت خود و دفاع در برابر تجاوز، از خود دفاع کند، در این صورت وی باید شرایط قانونی دفاع را اثبات کند و با اثبات نیز بر عهده اوست تا اولاً لا تمسک به آن دفاع، جان خودش را نجات دهد.

ثانیاً دادگاه را در روز محاکمه قانع کند و ثالثاً به خاطر آن دفاع مورد مجازات قرار نگیرد.

فلسفه جهاد دفاعی

پیش از بررسی این موضوع د فرهنگ اسلامی باید توجه داشت که دفاع از جان ، مال، زن و فرزند ، وطن و سرزمین ، شرف ، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد توافق همه ی انسان هاست . هیچ فردی و هیچ قوم و ملتی تسلیم در برابر متجاوز را نمی پسندد . مردم با هر عقیده و آیینی ، دفاع از سرزمین خود را امری مقدس و قابل تحسین می دانند . دستور به مقاومت در برابر متجاوزان اختصاصا به مکتب اسلام ندارد، بلکه هر ملتی آن را مشروع و حق مسلم خود میدانند . در مکتب قرآن ، حیات بشری و بقای اعتقادات مذهبی و اماکن مقدس مرهون حس فطری بشر در دفاع دانسته شده است . قرآن در این باره می گوید :

«اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير،الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز» در این آیه، خداوند سبحان به کسانی که تحت ظلم و ستم قرار گرفته اند ، اذن جنگ و جهاد داده است . شان نزول آیه مسلمانانی بودند که از شهر و دیار خود - مکه - اخراج شده و اموالشان توسط مشرکان آن دیار مصادره شد. از این رو مصداق مظلومان در این آیه ، کسانی هستند که به ناحق از سرزمینشان - تنها به جرم آنکه دعوت حق را لبیک گفته و به اسلام گرویده و خداوند سبحان را پروردگار خود خوانده اند - بیرون رانده شدند . از این آیه به خوبی بر می آید که اولاً: بیرون راندن مردم از سرزمینشان از مصادیق آشکار ظالم است . ثانیاً: جنگ با دشمن مهاجم و به ناحق و ستمگر حق مشروع ستمدیدگان است «بانهم ظلموا»؛ از این رو حتی اگر عده ای غیر مسلمان تحت ستم قرار گیرند و به ناحق از خانه و کاشانه و سرزمینشان اخراج شوند، حق جهاد دفاعی برای آنان محفوظ است.

بخش دوم آیات تبیین فلسفه این جهاد دفاعی است. در منطق قرآن اگر پیروان ادیان توحیدی در برابر مهاجمان و متجاوزان ایستادگی نمی کردند، عبادتگاه های آنان منهدم شده و از بین می رفت . از این بیان معلوم می شود که ادیان الهی برای حفظ موجودیت و حراست از اعتقادات دینی و مراکز عبادی خود از حق دفاعی برخوردارند . پس یکی از فلسفه های مشروعیت جهاد دفاعی حفظ و حراست از معابد و مراکز دینی است و این امر اختصاص به مسلمانان ندارد . حق دفاع در همه مکاتب آسمانی رسمیت دارد.

مهم تر از آن، در منطق قرآن دفاع، ضامن صلاح جوامع و متقابلاً تسلیم، عامل بروز فساد در زمین است. «ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض» بعضی از مفسران با استفاده از آیات جهاد، جنگ و جهاد را احیاگر مومنان شمرده اند. بدین معنا که جنگ و جهاد - چه به عنوان دفاع از مسلمانان و یا کیان اسلام باشد و چه جمگ ابتدایی باشد - همگی در حقیقت دفاع از حق انسانیت در حیات بشری است چرا شرک به خدا، هلاکت انسانیت و مرگ فطرت بشری را در پی دارد، چه اینکه جنگ در حقیقت دفاع از حق انسانیت و تجدید حیات بشری و احیای آن پس از مرگ است.

این که مفسران و دانشمندان جهاد ابتدایی را نیز به دفاع از حق انسانیت - توحید - بازگردانده اند، بدین خاطر است تا برای همگان قابل فهم باشد، چرا که حق دفاع از خود و همه شئون حیات بشری، برای همگان شناخته شده و امری مسلم و غیر قایب انکار است. بنابراین تفسیر توحید و یکتا پرستی چ� حقوق انسان ها است و جنگ و جهاد برای حقوق انسانیت در واقع دفاع از حقوق انسانیت است نظیر جنگ برای آزادی که تز حقوق انسانی است. برای خداوند حفظ دین و مراکز عبادی موحدان عالم امری آسان است، اما سنت الهی آن است که شرایع و ادیان الهی از طریق مردم حفظ شود. مردم نسبت به اعتقادات، عبادتگاه ها و مراکز دینی و سرزمین ود احساس مسئولیت کنند و در راه دفاع از آن بایستند. وجود چنین احساسی در مردم و دفاع در برابر تجاوز دشمن موجب جلب حمایت الهی شده و نصرت الهی را به همراه دارد.

فقیهان نیز در آثار خود به تناسب اشارتی به فلسفه جهاد دفاعی نموده اند. ابوالصلاح حلبی پس از تبیین وجوب جهاد دفاعی، علت آن را جاوگیری از «تباه شدن حق»، «شکست دارالایمان»، «پیروزی کفری و شرک» دانسته است. چنان که شیخ حسن نجفی صاحب جواهر می نویسد:

«اگر کفار بخواهند با حمله به سرزمین های اسلامی، اسلام را محو و شعائر آن را مندرس نمایند که نامی از حضرت محمد (ص) و شریعتش باقی نماند، شبهه ای در وجوب جهاد نیست.»

سید عبدالحسین لاری نیز در بیانیه ای که به منظور بیان وجوب دفاعی از سرزمین های اسلامی در جنگ بین الملل اول صادر کرد، «عزت و عظمت دین، رسوا کردن کافران، حفظ اساس اسلام و شکسته شدن بت ها و حفظ احکام حلال و حرام الهی، آشکار شدن حق و

عدل و راستی و ابطال کفر و ستم و فسق» را از جمله آثار و برکات جهاد در راه خدا معرفی نموده.

دفاع از سرزمین های اسلامی ، جهاد در راه خدا

فقها با استفاده از آیات و روایات ، احکام اقسام مختلف جهاد را استخراج کرده و تفصیل بیان نموده اند. در یک تقسیم بندی کلان جهاد یا ابتدایی است و به منظور دعوت کافران به اسلام و برداشتن موانع رشد و گسترش اسلام انجام می گیرد، و یا دفاعی . اکثریت قاطع فقها دفاع از کیان اسلام و مسلمین، دفاع از سرزمین های اسلامی را قسمی از جهاد شمرده و آن را مشمول اطلاعات و عمومات ادله دانسته اند و این پندار که « آیات و روایات همگی مربوط به جهاد ابتدایی است و احکام جهاد بر دفاع جاری نمی شود » ، پاسخ داده اند. گرچه بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی از نظر فروغ و احکام تفاوت هایی وجود دارد، اما در بسیاری از احکام نیز با یکدیگر مشترکند. فقیهان وجود تفاوت ها را در پاره ای احکام ، موجب خروج دفاع از دایره جهاد ندانسته اند.

شهید ثانی در بیان اقسام جهاد ، پس از آنکه از جهاد ابتدایی سخن گفته ، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی دانسته، هنگامی که دشمنان کافر بر مسلمانان هجوم آورده اند و قسط تسلط بر سرزمین های اسلامی یا به اسارت گرفتن مسلمانان یا گرفتن اموال و چپاول ثروت هایشان و یا تعرض به حریم زن و فرزند که آنان را داشته باشند زمان جهاد دفاعی است.» و الثانی یدهم المسلمین عدو من الکفار یریر الاستیلاء علی بلادهم او اسرهم او اخذ ما لهم و ما اشبهه من الحریم و الذریه» شیخ جعفر کاشف الغطا برای جهاد پنج قسم قائل است که یک قسم آن ابتدایی و چهار قسم نیز دفاعی است . گاه جهاد برای حفظ اساس اسلام در برابر هجوم کفار به سرزمین های مسلمین و شهر ها و روستا های مسلمان هاست.» (الجهاد لحفظ بیضه الاسلام اذا اراد ولکفار الهجوم علی اراضی المسلمین و بلادهم و قراهم) و هدفش محو اسلام و حاکم کردن کفر و نشانه های آن است. گاه جهاد برای دفع متجاوزان برای حفظ جان مسلمانان و نوامیس آنهاست. گاه جهاد برای دفاع از گروهی از مسلمان هاست که با گروهی از کافران درگیر شده و خوف استیلای کفار بر آنان می رود و بالاخره گاه جهاد به منظور بیرون راندن کافرانی است که بر سرزمین های مسلمین مسلط شده و نجات مسلمانان از دست متجاوزان است» (الجهاد لدفعهم عن بلدان المسلمین و قراهم و اراضیهم و اخراجهم منها بعد التسلط الها و

اصلاح بیض الاسلام بعد کسرهما و اصلاحها بعد ثلمها و السعی فی نجاه المسلمین من ایدی الکفر ره الملائعین «

تکلیف مسلمانان در راه آزاد سازی سرزمین های اسلامی با بذال آبرو مال و سلاح و تدبیر، این نوع از جهاد را برترین اقسام جهاد شمرده و بزرگترین وسیله نیل به قرب الهی و افضل از جهاد ابتدایی برای دعوت کفار به اسلام می خوانی.

اصرار فقها بر جهاد دانستن دفاع آن است که بگویند ارزشی که در مکتب اسلام برای جهاد در رکاب امام معصوم ع ترسیم شده، احکامی که بر جهاد و مجاهد در راه خدا مترتب گشته، منحصر به جهاد ابتدایی نبود بلکه دفاع را هم در بر میگیرد برای این منظور به اطلاق و اموم آیات و احادیث استناد کرده اند. معقول هم نیست آن همه فضائل که جهاد در راه خدا دارد نصیب افرادی معدود شود که در زمان معین و محدودی در رکاب امام معصوم ع می جنگند. اکثریت مسلمانان مومن با اخلاص که در عصر غیبت زندگی میکنند از آن محروم باشند.

آیا کسی که برای رضای خدا و دفاع از دین او و جامعخ اسلامی و سرزمین های مسلمانان در برابر هجوم دشمن از جان و مال خود میگذرد، با کسی که در زمان حضور در رکاب امام ع با دشمن می جنگد تفاوت دارد؟

بعید است که از نظر خداوند حکیم میان آنان تفاوتی باشد چرا که هر دو در راه خدا جهاد کرده اند بلکه شاید بتوان گفت قدر و منزلت کسی که در زمان غیبت امام ع جان و مال خود در راه خدا میبخشد بیشتر از کسی است که در زمان حضور چنین می کند.

بقول میرزای قمی «حضور امام و ظهور معجز و تاثیر نفس شریعت امام در مبادرت به امتثال و حصول یقین به حقیقت، مداخلیت تمام دارد در مثال و فرمانبرداری که آن در زمان غیبت نیست پس اجر این عمل در زمان غیبت بیشتر خواهد بود و چنان در اخبار وارد شده است در مدح ایمان به غیب»

سلار از فقیهان قرن پنجم در جهاد دفاعی، اذن امام یا نایب او را لازم ندانسته و در ادامه میگوید مومن در دفاع خویش در برابر دشمن چه بکشد و چه کشته شود، چه کجروح کند و چه مجروح شود عند الله ماجور و مثابند.

شیخ محمد رضا همدانی در رساله ترغیب المسلمین الی دفاع المشرکین، دفاع از مسلمانان را جهاد در راه خدا خوانده و اهم قربات الهی شمرده است.

دفاعی را که معمولاً فقها مصداق نمی شمارند، دفاع شخصی از جان و مال و زن و فرزند در برابر دزدان و راهزنان است، گرچه روایاتی مبنی بر اینکه هر کس در چنین مواقعی کشته شود، شهید است. اما دفاع از دین و مکتب به هر صورتی در برابر مهاجمان کافر، مشرک یا مسلمانان فاسق و یاغی که کیان اسلام و جامعه اسلامی یا سرزمین های مسلمین یا جان و مال مسلمانان را مورد هجوم قرار دهند، قطعاً جهاد در راه خداست.

شیخ حسن نجفی نیز دفاع از اساس اسلام و جامعه اسلام را در برابر هجوم دشمن در زمان غیبت امام معصوم جهاد در راه خدا دانسته است.

وجوب جهاد دفاعی در قرآن

وجوب جهاد دفاعی از ضروریات فقه است که به حکم عقل و شرع واجب گشته است صاحب جواهر معتقد است که اجماع محصل و منقول بر وجوب جهاد دفاعی وجود دارد، چنانکه روایات خاص و آیات عام بر این مطلب دلالت می کند. به منظور آشنایی با پاره ای از آیات و روایات و نکات ارزنده ای که در هر کدام وجود دارد، تعدادی از آنها را به اختصار توضیح می دهیم.

آیه اول: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین و اقاتلوه» حیث ثقفتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و الفتنه اشد من القتل و لا تقاتلوه عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فقاتلوه کذلک جزاء الکافرین»

آیه نخست ظهور روشنی در وجوب جهاد دفاعی دارد و مجوز جنگ با کفار محارب است. شان نزول آیه نیز مربوط به پس از صلح حدیبیه است که مشرکان بر اساس صلح حدیبیه متعهد شدند که از سال آینده مکه را به مدت سه روز مکه را در اختیار مسلمانان قرار دهند تا برای زیارت خانه خدا به مکه سفر کنند. رسول خدا (ص) به وعده کفار اطمینان نداشت احتمال می داد که خلف وعده کنند و راه مکه را مسدود کنند و پیامبر از اینکه در ماه حرام با آنان رو به رو شده و مجبور به جنگ شود، ناخوشنود بود. این آیه به همین مناسبت نازل شد و دستور جنگ با کسانی را که با مسلمانان می جنگند صادر کرد.

در آیه دوم فتنه گری مشرکان را مهمتر از جنگ در ماه های قتال شمرد و بدین وسیله نگرانی پیامبر را بر طرف ساخت. محقق اردبیلی حتی احتمال شمول آیه نسبت به دفاع شخصی از جان و مال در برابر محارب را نیز مطرح کرده کرد. از نظر وی آیه ظهور در جهاد

دفاعی دارد حتی حرام بدون محل جنگ یا ماه حرام بودن زمان وقوع جنگ در جهاد دفاعی بلا مانع است.

علامه طباطبائی، آیه مبارکه را اعجاز جهاد ابتدایی و دفاعی دانسته با این استدلال که ظاهر آیه آن است با افرادی که حالت تخاسمی با شما دارند هر چند اقدام به جنگ با شما نکرده اند، بجنگید. مانند مشرکان مکه که دشمن مسلمانان بودند و این آیه را از نظر سیاق مانند آیه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا...» دانسته است.

از این بیان بر می آید ظهور آیه نسبت به جهاد دفاعی مسلم است و برخی از مفسران در صدد تأمین آن به جهاد ابتدایی اند. نکته مهمی که از آیه دوم استفاده می شود اختصاص به بحث ما دارد، آن است که باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن آنان از آنجا همچنین جنگ و جهاد با مشرکانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خود در می آورند، ضرورت دارد.

مکه پایگاه توحید و شهر رسول خدا، مرکز وحی و اسلام بود و به مسلمانان تعلق داشت فمشرکان نه تنها حق بیرون راندن مسلمانان را از این شهر نداشتند بلکه خود باید از سرزمین های مقدس و حرم الهی اخراج می شوند از این رو مسلمانان در این آیه موصف شده اند که برای بازپس گیری سرزمین های اسلامی خود با فتنه گران جهاد کنند و آنان را از مکه بیرون برانند کما اینکه در سال های بعد که مکه به دست مسلمانان فتح شد دستور داده شد که هیچ مشرکی حق ورود به این شهر را ندارد.

آیه سوم.. و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم.. آیه مبارکه دستور آمادگی و تجهیز نظامی با هر وسیله ممکن به مسلمانان می دهد تا دشمنان خدا همواره از قدرت آنان در حراس باشند. معمولاً چنین دستوری به منظور آمادگی نظامی برای دفاع از هر گونه تجاوزی صادر می شود و جنبه بازدارندگی دارد تا قدرت نظامی مانع هر گونه تجاوزی شود هرچند این دستور شامل صورتی هم که حکومتی و لشکری تصمیم به حمله داشته باشد می شود ام با آمادگی دفاعی سازگار تر است.

وقتی آمادگی نظامی به هر وسیله ممکن بر مسلمانان واجب باشد قطعاً دفاع در برابر تجاوز که هدف از آمادگی نظامی است واجب خواهد بود و گرنه تسلیم شدن در برابر دشمن نیاز به آمادگی نظامی ندارد و این دستور لغو خواهد بود. مسلمانان موظفند خود را بگونه ای آماده نگه دارند که دشمنان خدا و مسلمانان حوص تجاوز به ایشان را نکند

آیه چهارم: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

آیه شریفه هرگونه سلطه ای را از جانب کافران بر مسلمانان نفی کرده خداوند هیچ قانونی جعل نکرده که در پرتو آن کافر بر مسلمان سلطه پیدا کند. از این رو مسلمانان باید باید به قوانین الهی از هرگونه سلطه پذیری در برابر دشمن به پرهیزند.

فقها با استفاده از این آیه و دلایل دیگر قاعده نفی سبیل را استخراج کرده و در مباحث مختلف فقهی هر جا که نوعی ولایت و سلطه کافر بر مسلمان مطرح بوده با استناد به این قاعده نفی کرده اند از آن جمله ازدواج زن مسلمان با مرد کافر و ماکیت شخصی کافر بر عبد مسلمان، انعقاد هر پیامی که موجب سلطه کافران بر مسلمانان باشد، مانع بود کفر برای وراثت و ... دین مقدس اسلام هیچ گونه سلطه ای را که کافر بر مسلمان پیدا کند به رسمیت نشناخته بلکه ولایت و عزت اسلام و مسلمین را بر همه ملت ها و مکتب ها مطرح ساخته است .

اهمیت جهاد دفاعی بر جهاد دفاعی

از احکام جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی بر می آید که جهاد دفاعی از جهاتی بر جهاد ابتدایی ترجیح دارد. جهاد ابتدایی به منظور دعوت کفار به اسلام و گسترش دامنه اسلام است. اما جهاد دفاعی به منظور جلوگیری از محو اسلام و از بین رفتن جامعه اسلامی و حراست از استقلال و جان و مال و ناموس مسلمان هاست. اینک پاره ای از احکام که نشانگر اهمیت جهاد دفاعی است:

۱. وجوب جهاد دفاعی ، مطلق است
۲. همکاری با جائز در جهاد دفاعی
۳. جهاد دفاعی وظیفه همگانی
۴. دفاع در برابر هر مقدار از کفار
۵. دفاع در هر زمان و هر مکان
۶. دعوت کفار به اسلام شرط نیست
۷. اجبار مردم به حضور در دفاع
۸. ضرورت تامین مخارج جهاد از سوی مردم
۹. وجوب مطلق مرز بانی
۱۰. لزوم دفاع در برابر هر دشمن
۱۱. نقض عهد و امان در صورت ضرورت

نتیجه گیری

جهاد در اسلام مطلق نیست و شرایط متعددی دارد بنابراین اگر ظاهر آیاتی از قرآن مانند آیه: «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اعط علیهم...» ای پیامبر با کافران و منافقان پیکار نما و آنان سخت گیر» به ظاهر مطلق بنماید به وسیله آیات دیگری چون «ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین»؛ و امثال آن مقید می شود. مراجعه به شان و سبب نزول این آیات نیز نشان می دهد که در رابطه با شرایط خاصی مانند تعرض و تهاجم مشرکین و پیمان شکنی کافران و همدستی آنان با مهاجمان نازل شده و هرگز در صدد بیان قاعده ای کلی و مطلق نیست.

هیچ یک از جنگ های پیامبر در برابر کفار و مشرکان به جهت کفر آنان نبوده و پیامبر اکرم (ص) کسی را صرفاً به جهت کافر و حنب شرک مستحق قتل ندانسته است. شاهد بر این مطالب فراوان است؛ مانند اینکه در روایات از کشتن عده ای از مشرکین و کفار مانند: زنان، اطفال، پیرمردان، صومعه نشینان، بازرگانان، فرستادگان، گروگان ها و کسانی که در خانه را به روی خود ببندند، نهی شده است. در حالی که اگر ملاک قتل، کفر آنها باشد اینها نیز کافر هستند. در روایت است هنگام عبور رسول خدا (ص) نگاه حضرت به جنازه زنی افتاد، فرمود: «شایسته نبود با این زن نبرد می شد». از این سخن فهمیده می شود علت تحریم قتل آن زن این است که در صف جنگجویان نبوده گر چه کافر بوده است.

جهاد برای تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش دین در اسلام وجود ندارد، و اساساً پذیرش دین در اسلام اجباری و تحمیلی نیست.

دین مبین اسلام بیش از هر مدام و آئینی برای حفظ امنیت، صلح، آرامش و همچنین سعادت و نیک بختی انسان اهتمام می ورزد؛ از همین رو نبرد را تنها در شرایط ضروری و در صورت ناکارآمدی روش های مسالمت آمیز و در حداقل مجاز دانسته است. در عین حال صلحی که اسلام به سوی آن فرا می خواند صلح عادلانه و شرافت مندانه است و از سازش کاری همراه با اسارت و زبونی استقبال نمی کند.

با توجه به اهمیت والایی که اسلام برای حفظ ارزش های عالیه انسانی قائل است، در سخت ترین صحنه های کارزار نیز رعایت ارزش ها و اصول انسانی را لازم دانسته و نه تنها در مقام نظر و تئوری، بلکه در عمل نیز به زیبا ترین شکلی آنها به نمایش گذارده است.

منابع

- قرآن کریم
کتاب و مقاله
۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم؛ لسن العرب؛ قم: نشر ادب الحوزه ۱۴۰۵ ق
 ۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹.
 ۳. اصفهانی (فاضل هندی)، بهاء الدین محمد بن حسن؛ کشف اللثام؛ تهران: انتشارات فراهانی (چاپ سنگی) ۱۳۹۱ ق
 ۴. بازگیر، یدالله؛ قانون مجازات اسلامی در آئینه آرای دیوان عالی کشور؛ تهران: انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲
 ۵. باقری، عباس؛ دفاع مشروع؛ تهران: چاپ بهمن، ۱۳۴۳
 ۶. پیمانی، ضیاء الدین؛ تفصیل قواعد دفاع مشروع در حقوق جزای ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷
 ۷. جبعی عامل (شهید ثانی)، زین الدین؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ ج ۲ و ۹، نجف: جامعه النجف الدینیة.
 ۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ ج ۱۵، ۲۸ و ۲۹، ج ۲، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۲
 ۹. حسینی شیرازی، سید محمد؛ موسوعة استدلالیه فی الفقه الاسلامی؛ ج ۸۸، ج ۲، بیروت: دارالعلوم، ۱۴۰۹ ق